

بازی‌های پارالمپیک

گیل هرمن

تصویرگر: آندرو تامسون

مترجم: محمدرضا افضلی



فهرست

فصل ۱
ایده برگزاری بازی‌ها شکل می‌گیرد | ۱۰



فصل ۲
سال‌های اولیه | ۱۶



فصل ۳
مبارزه در میدان | ۲۰



فصل ۴
رشد و تغییر | ۲۵



فصل ۵
افسانه‌ای در آب | ۳۱



فصل ۶
موفقیت‌های پارالمپیک | ۳۸



فصل ۷
چرخ‌ها روی پیست | ۴۶



فصل ۸

پیروزی، رسوایی، و رکورد | ۵۳



فصل ۹

در آتن اتفاق افتاد | ۶۱



فصل ۱۰

هم تیمی ها و رقیبان | ۶۹



فصل ۱۱

پایان های غیرمنتظره | ۷۷



فصل ۱۲

ورزشکاران همه فن حریف | ۹۰



فصل ۱۳

پاراالمپیک ۲۰۱۸ و پس از آن | ۹۹



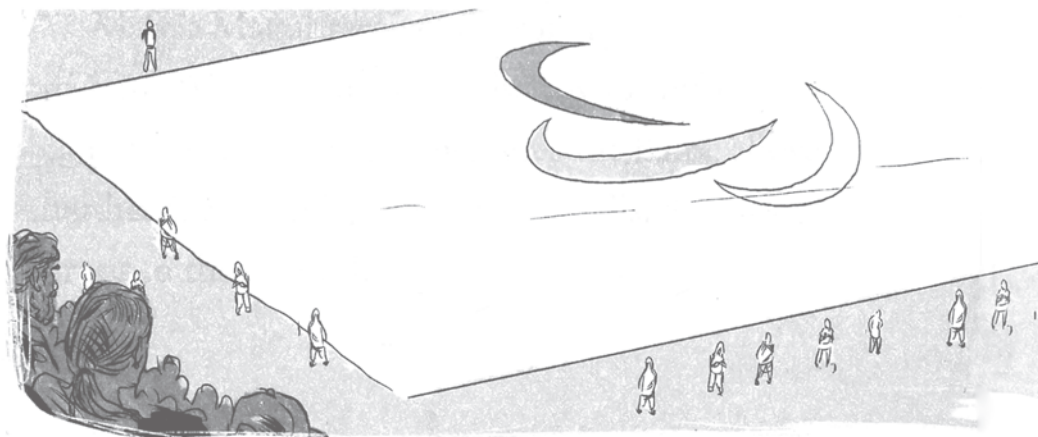
سیر تاریخی بازی های پارالمپیک | ۱۱۰

سیر تاریخی جهان | ۱۱۱



سال ۲۰۱۶ است. هنگام غروب و در هوای مرطوب شهریور ماه، بیش از هفتاد هزار نفر در استادیوم ماراکانا، در ریو دو ژانیرو، واقع در کشور برزیل، روی صندلی‌های ورزشگاه در انتظار برگزاری مراسم آغاز پانزدهمین دوره بازی‌های پارالمپیک تابستانی نشست‌اند. هفده روز قبل، مراسم پایان بازی‌های المپیک در همین ورزشگاه برگزار شده بود.

المپیک و پارالمپیک، هم بازی‌های تابستانی دارند و هم بازی‌های زمستانی. هر دو دسته از بازی‌ها، هر چهار سال یک بار برگزار می‌شود و هزاران ورزشکار از گوشه و کنار جهان دور هم

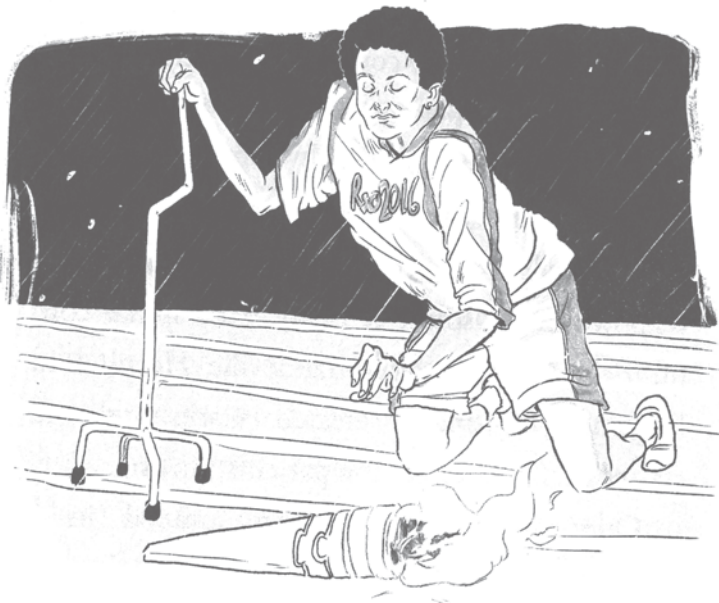


جمع می‌شوند تا در این بازی‌ها به رقابت بپردازند. بین این بازی‌ها یک تفاوت واقعی وجود دارد: در بازی‌های پارالمپیک، ورزشکاران به درجه‌های مختلف، معلولیت دارند- منظور از معلولیت هر وضعیتی است که حرکت یا فعالیت فرد را محدود کند. بعضی از این ورزشکاران دست ندارند و شنا می‌کنند، پا ندارند و می‌دوند، یا نمی‌بینند و می‌دوند. مراسم افتتاح بازی‌ها با رژه ورزشکاران و ورود آن‌ها به استادیوم شروع می‌شود. تیم‌های بیش از ۱۶۰ کشور جهان در این بازی‌ها شرکت می‌کنند و پیشاپیش هر تیم، یک نفر پرچم آن کشور را حمل می‌کند. بعضی از ورزشکاران با ویلچر در رژه شرکت می‌کنند، بعضی از آن‌ها راهنما دارند، و بعضی دیگر با پروتز، یعنی با اندام‌های مصنوعی در ورزشگاه حاضر می‌شوند. مقامات سخنرانی می‌کنند؛ موسیقی نواخته می‌شود و هنرمندان روی صحنه می‌روند.

سپس صدایی که در تمام ورزشگاه شنیده می‌شود، اعلام می‌کند «خانم‌ها و آقایان، اینک مشعل پارالمپیک!» مشعل پارالمپیک، پس از عبور از کشور برزیل، وارد ورزشگاه می‌شود. مشعل پارالمپیک درست در لحظه‌ای به دست ماریسا مالسار می‌رسد که بارش باران شروع می‌شود. او برای عبور از صحنه باید از عصا استفاده کند. مشعل را روی سر خود بالا

می‌برد. ناگهان می‌لغزد و زمین می‌خورد. مشعل به زمین می‌افتد. مالمسار فوراً از زمین برمی‌خیزد. فرد دیگری مشعل را برمی‌دارد. مارسیا لبخندزنان آن را می‌گیرد. بقیه ورزشکاران هم لبخند بر لب دارند. همه می‌دانند که وقتی زمین خوردی، باید دوباره برخیزی.

اکنون مارسیا مشعل را به نفر بعدی می‌رساند. مشعل بزرگ ورزشگاه روشن می‌شود. فشفشه‌ها دل آسمان را می‌شکافند و آسمان نورافشان می‌شود.
بازی‌ها رسماً شروع می‌شود!



فصل ۱

ایده برگزاری بازی‌ها شکل می‌گیرد

بازی‌های پارالمپیک نتیجه طرز فکر خاص یک دکتر بود: او عقیده داشت که افراد مبتلا به فلج پایین تنه - یعنی افرادی که نمی‌توانند پاهای خود را تکان دهند - می‌توانند زندگی کامل و مفیدی داشته باشند. در آن زمان، بسیاری از دکترهای دیگر فکر نمی‌کردند که بتوان در سلامت یا آسایش افرادی که به نشستن روی ویلچر محکوم‌اند، تغییر مثبتی ایجاد کرد، در نتیجه برای ایجاد تغییر در کیفیت زندگی آن‌ها اصلاً تلاش نمی‌کردند.

در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، دکتر لودویگ گوتمان می‌دید که بیمارستان‌ها پر از سربازان مجروحی است که نخاع بسیاری از آن‌ها آسیب دیده است. گوتمان، در بیمارستان استوک مندویل، واقع در انگلستان، کارگاه‌هایی دایر کرد و کلاس‌هایی برگزار کرد تا این بیماران را وادار به حرکت کند.

یک روز بعد از ظهر، گوتمان روی ویلچری پدیدتابه بیمارانی ملحق شود که با عصای خود به دیسک بازی‌هاکی روی یخ ضربه می‌زدند.



دکتر لودویگ گوتمان

او با خود فکر کرد چرا ورزش‌های تیمی هم انجام ندهند؟ روز بعد با خود تیر و کمان به بیمارستان برد تا بیماران بتوانند با کمان تیراندازی کنند.

مدتی نگذشت که دکترهای بیمارستان‌های دیگر برنامه گوتمان را در پیش گرفتند. در نتیجه فکر تازه‌ای به نظر دکتر گوتمان رسید: میزبان رقابت‌های ورزشی بین بیمارستان‌ها شود.

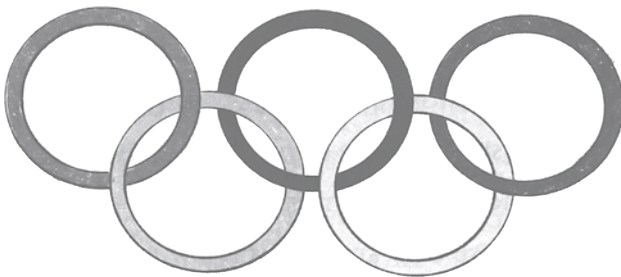
در سال ۱۹۴۸، نخستین دوره بازی‌های استوک مندویل برای مبتلایان به فلج برگزار شد. او تاریخ برگزاری این مسابقات را با دقت انتخاب کرد: ۲۹ ژوئیه که روز برگزاری مراسم افتتاح بازی‌های المپیک در شهر مجاور، یعنی لندن بود.

گوتمان به فکر برگزاری بازی‌های المپیک برای معلولان بود. البته هیچ‌کس نخستین دوره بازی‌های استوک مندویل را با المپیک اشتباه نمی‌کند. در این بازی‌ها، فقط یک ورزش مطرح بود، تیراندازی با کمان، و فقط دو تیم در آن شرکت داشتند. چهارده مرد و دو زن به رقابت پرداختند. اما برگزاری این بازی‌ها به اندازه‌ای موفقیت‌آمیز بود که گوتمان تصمیم گرفت هر سال

آن‌ها را برگزار کند. هر سال، ورزش دیگری در این بازی‌ها گنجانده می‌شد. به‌زودی مسابقه‌های ویلچرانی روی پیست و شنا در استخر هم برگزار شد.

در سال ۱۹۵۲، تیمی از یک کشور دیگر، یعنی هلند، هم در این بازی‌ها شرکت کرد. در سال ۱۹۵۵ که ایالات متحده آمریکا هم گروهی را به این بازی‌ها فرستاد، هفده کشور دیگر هم در این بازی‌ها شرکت کرده بودند و این بازی‌ها توجه کمیته بین‌المللی المپیک را جلب کرد. سال بعد، این کمیته برای بازی‌های استوک مندویل، به پاس آرمان‌های برجسته المپیک، کمک‌هزینه‌ای اختصاص داد.

سال‌ها گذشت و این بازی‌ها صاحب پرچم شد، رژه ورزشکاران به آن اضافه شد، و مراسم نمادین دو امدادی برای افتتاح بازی‌ها نیز برگزار شد. در این مراسم «دوندگان» با ویلچر و ماشین سفر می‌کردند و به جای مشعل حامل طوماری بودند که مأموریت پارالمپیک در آن نوشته شده بود: «متحد کردن



حلقه‌های المپیک

مردان و زنان فلج همه جهان... [تا] مایه امید و منبع الهام هزاران انسان فلج در گوشه و کنار جهان باشند.» اولین بار در سال ۱۹۵۸، عملیات امدادی حمل طومار انجام شد و در آن دیک تامپسون، طومار را به استوک مندویل رساند.

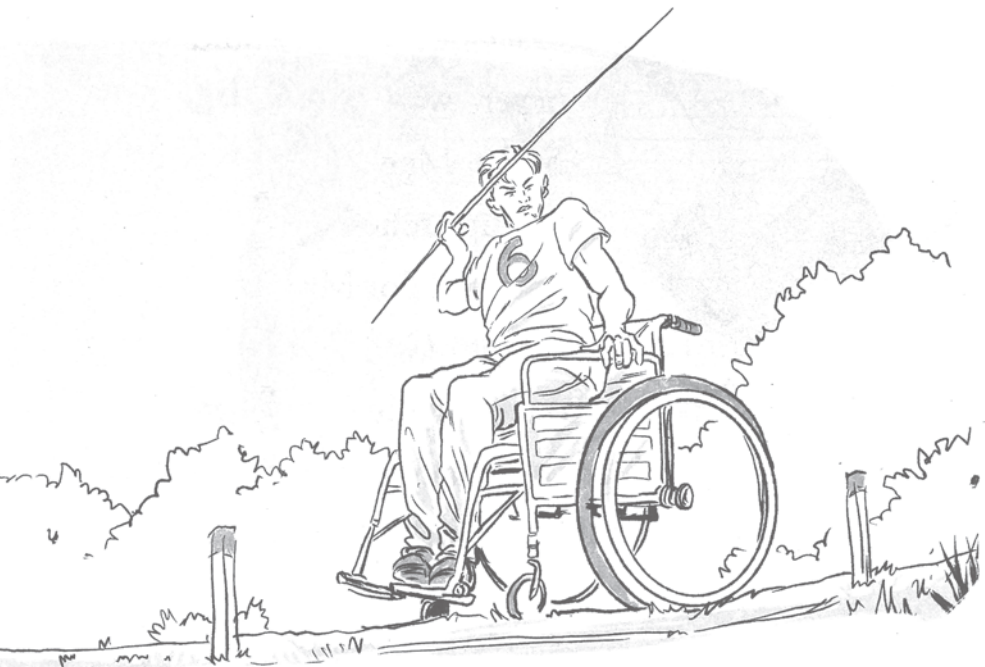
تامپسون ستاره این بازی‌ها هم بود. در هفده سالگی، بر اثر حادثه‌ای هنگام صعود از کوه، کمر او شکسته بود. در نتیجه این



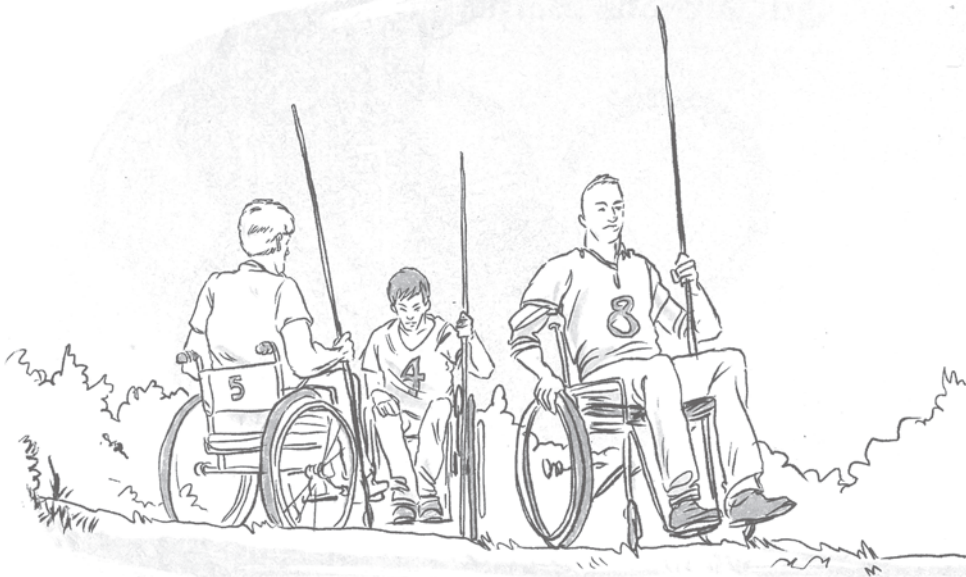
حادثه بدن تامپسون از سینه به پایین، فلج شد. یک سال بعد، یعنی در سال ۱۹۵۰، او در رقابت‌های پرتاب نیزه شرکت کرد و قهرمان شد.

در این رقابت‌ها از نیزه بلندی استفاده می‌شود و ورزشکاران سالم، قبل از پرتاب، می‌توانند مسافتی را بدون تا بتوانند نیزه را به فاصله دورتری پرتاب کنند. اما ورزشکارانی که روی ویلچر می‌نشینند، پرتاب را در حالت نشسته انجام می‌دهند و برای این کار فقط از نیروی ماهیچه‌های شانه خود استفاده می‌کنند. رکورد تامپسون در نخستین قهرمانی ۱۳ متر و ۸۲/۵ سانتی‌متر

بود.



در یکی از مسابقات، تامپسون با دو ورزشکار سالم رقابت کرد: قهرمانان پرتاب نیزه و پرتاب وزنه بریتانیا. دکتر گوتمان این دو ورزشکار را روی ویلچر نشانده تامپسون هر دو را شکست داد. سپس سال ۱۹۶۰ فرا رسید. بازی‌های المپیک تازه در رُم برگزار شده بود. تامپسون، همراه با تیم‌های ویلچرنشین بیش از بیست کشور دنیا نیز به آن جا شتافته بود. سرانجام رؤیای گوتمان واقعیت پیدا می‌کرد. چه بهتر از این که بازی‌های پارالمپیک نیز مثل بازی‌های المپیک برگزار شود و هر بار شهر دیگری میزبان آن باشد؟



فصل ۲

سال‌های اولیه

بازی‌های سال ۱۹۶۰، نخستین دورهٔ بازی‌های بین‌المللی پارالمپیک بود و مارگارت مون قصد داشت در این بازی‌ها شرکت کند.

درست یک سال و نیم قبل، مون در یک تصادف رانندگی آسیب دیده بود. دیگر نمی‌توانست راه برود. در استوک مندویل،

در رشتهٔ تیراندازی با کمان شرکت کرد. مارگارت استعداد طبیعی داشت. راه‌یابی به تیم بریتانیا برایش مشکل نبود. اما برای سوار شدن به هواپیما باید ویلچر او را با لیفتراک بالا می‌بردند.

در رُم، تیم‌ها ناچار شدند در هتلی اقامت کنند که آسانسور

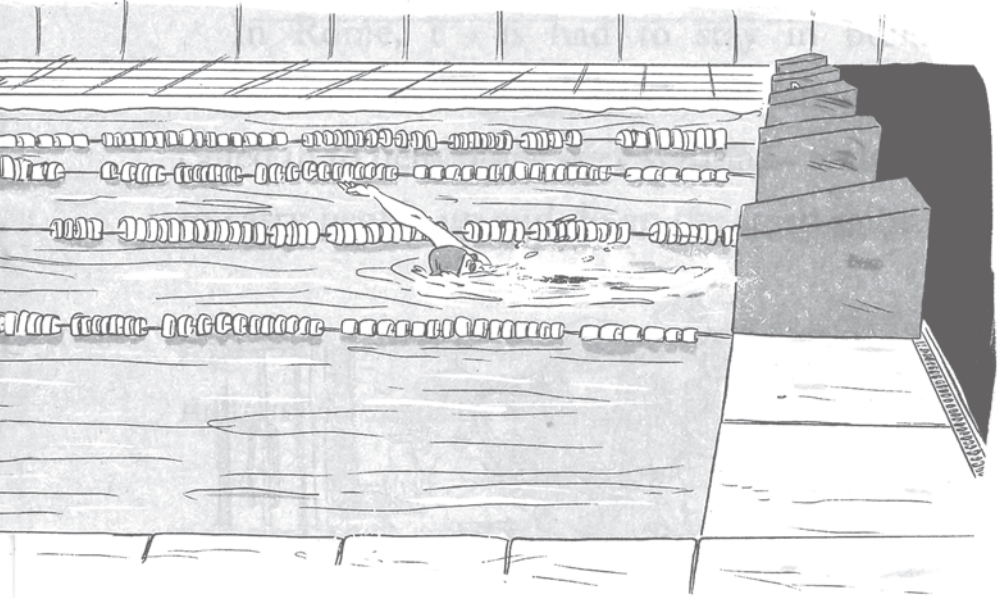


مارگارت مون

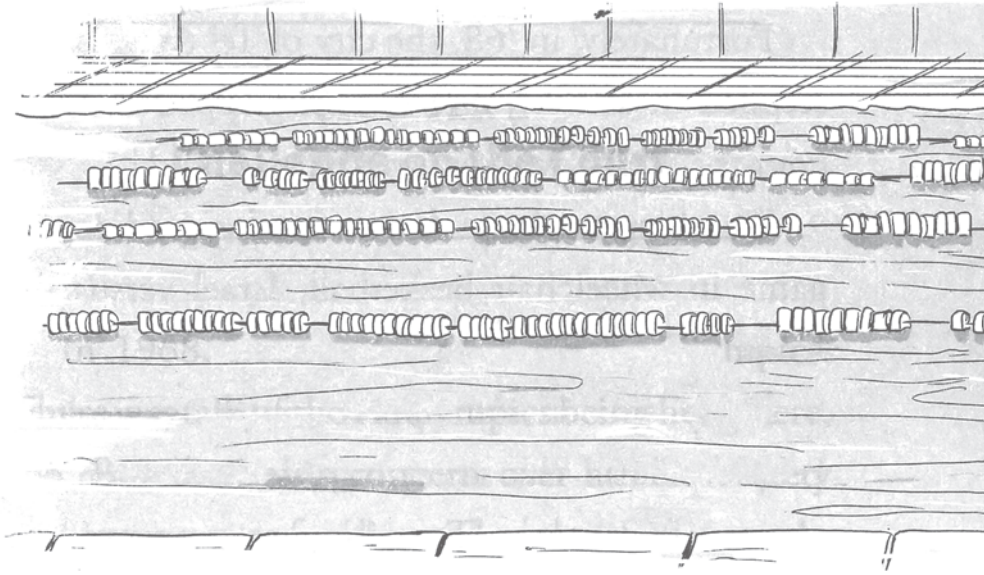
نداشت. خوشبختانه افراد ارتش ایتالیا برای کمک به ورزشکاران فرا خوانده شدند. آن‌ها در پاگردهای پله‌ها مستقر شدند تا ورزشکاران را از پله‌ها بالا و پایین ببرند.



هیچ‌یک از دوربین‌های تلویزیونی روی این چهارصد ورزشکار معلول متمرکز نشدند. وقتی مارگارت مون در رقابت‌های تیر و کمان شرکت کرد، تماشاگری نبود که ورزشکاران را تشویق کند. مون حتی اطمینان نداشت که برگزارکنندگان، امتیازات را ثبت کنند. خود او اصلاً از نتایجی که به دست آورده بود خبر نداشت،



تا وقتی که سوار اتوبوس شده بود و یک نفر گفت برای مراسم اهدای جوایز او را فرا خوانده‌اند. او برندهٔ مدال طلا شده بود. مون هم، مثل بیشتر ورزشکاران دیگر، در چند رشته شرکت کرده بود. افرادی که در مسابقهٔ ویلچرانی شرکت کرده بودند، در رشتهٔ بسکتبال با ویلچر هم حضور داشتند. شمشیربازها در پرتاب وزنه هم به رقابت پرداختند. بودجه کم بود و فقط گروه کوچکی از ورزشکاران بریتانیایی می‌توانستند در این مسابقات شرکت کنند. آن‌ها باید در رقابت‌های مختلف حاضر می‌شدند. مون در شنای کِراال پشت هم مدال طلا گرفت، زیرا تنها شرکت‌کنندهٔ حاضر در استخر بود.



در سال ۱۹۶۴، که دورهٔ بعدی بازی‌های المپیک برگزار می‌شد، تیم‌های پارالمپیک به توکیو سفر کردند. رقابت‌های این ورزشکاران درست پس از پایان بازی‌های المپیک برگزار شد. بار دیگر دو رویداد در یک شهر برگزار

می‌شد. آن‌ها به هم پیوند خورده بودند و این بخشی از طرح دکتر گوتمان برای بازی‌های پارالمپیک بود.

اما این پیوند دوام چندانی نداشت.



فصل ۳

مبارزه در میدان

در سال ۱۹۶۸، مکزیکو سیتی، پایتخت کشور مکزیک، میزبان بازی‌های المپیک بود. دربارهٔ برگزاری بازی‌های پارالمپیک در این شهر نیز گفت‌وگوهایی در جریان بود. اما در مورد ایمنی ورزشکاران و تأمین بودجه برای برگزاری این بازی‌ها نگرانی‌هایی وجود داشت. همهٔ نقشه‌ها نقش بر آب شد. به مدت دو دهه، چندین المپیک برگزار شد، اما شهرهای دیگری که میزبان این



بازی‌ها شدند، نتوانستند - یا نخواستند - بازی‌های پارالمپیک را نیز برگزار کنند.

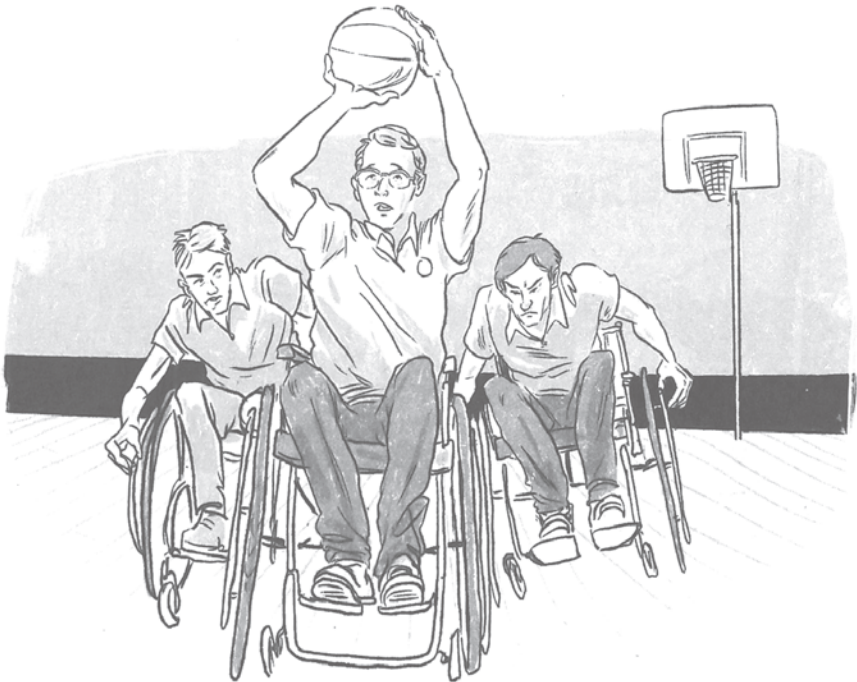
در سال ۱۹۶۸، شهر تل‌آویو، داوطلب میزبانی بازی‌های پارالمپیک شد.

پرتماشاگرترین مسابقه، فینال بسکتبال با ویلچر بود که بین کشور میزبان و آمریکا برگزار می‌شد. همهٔ صندلی‌های ورزشگاه پر شده بود. مردم در خیابان‌های اطراف ورزشگاه هم جمع شده بودند. حتی خانواده‌های ورزشکاران هم برای ورود به ورزشگاه دچار مشکل شده بودند. تیم کشور میزبان با نتیجهٔ ۳۷-۴۷ برنده

شد. کاپیتان این تیم باروخ هاگای نام داشت و با کسب ۲۴ امتیاز ستارهٔ بازی شناخته شد.



چهار سال بعد، هاگای و تیمش به هایدلبرگ، در کشور آلمان، پرواز کردند تا در پارالمپیک بعدی شرکت کنند. بار دیگر برای کسب عنوان قهرمانی با تیم آمریکا روبه‌رو شدند. مانند همهٔ مسابقه‌های بسکتبال با ویلچر، این مسابقه در زمین استاندارد برگزار می‌شد و سبدها در همان ارتفاع معمول قرار داشتند. بازیکنان هنگام دریبل زدن ویلچرهای خود را به جلو هل می‌دادند یا قبل از شوت زدن، پاس دادن یا دریبل زدن مجدد، برای دو بار هل دادن ویلچر می‌توانستند توپ را روی پای خود بگذارند.



در اوایل نیمهٔ دوم، هاگای شانزده امتیاز پشت سر هم کسب کرد. تیم آمریکا هنوز ناامید نشده بود. یک دقیقه به پایان زمان بازی مانده بود و تیم آمریکا پنج امتیاز عقب بود. باید زودتر می‌جنبیدند.

آمریکایی‌ها توپ بعدی را گل کردند. اما فقط سیزده ثانیه از وقت بازی باقی مانده بود. اد اوئن، بازیکن آمریکایی، مالک توپ بود. توپ خود را گل کرد و نتیجه ۵۷-۵۸ شد. آمریکا هنوز هم شانس داشت.



یکی از بازیکنان تیم مقابل از پشت خط پاس داد. اوئن به سرعت خود را به پایین زمین رساند، و توپ را گرفت. یک ثانیه بعد، توپ را به سمت حلقه پرتاب کرد. هاگای به طرف اوئن رفت؛ با تکیه دادن پاهایش به جاپایی ویلچر، تا جایی که می‌توانست خود را روی ویلچر بلند کرد تا مانع عبور توپ شود. اما موفق نشد. آمریکا بازی را ۵۸-۵۹ برد.

در سال ۱۹۷۶، آمریکا باز هم فلسطین را شکست داد و برندهٔ مدال طلا شد. اما قبل از شروع بازی‌های تابستانی، اولین دورهٔ بازی‌های زمستانی برگزار شد. جنبش پارالمپیک در حال رشد بود.